

تبیین زیرساختارهای ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش

رضا شاهقلیان قهفرخی^۱

علی اکبر رستمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تحلیلی زیرساختارهای معرفتی و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش و زمینه‌های تاریخی پیدایش جریانهای سلفی و هم‌چنین بررسی اهداف، راهبردها و رویکردهای عملیاتی این گروه تروریستی و فراز و نشیب‌های این گروه از تشکیل آن تا ادعای خلافت است. با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش اصلی و فرعی در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی به منظور بررسی موضوع استفاده شده است که از نظر نوع تحقیق در دسته پژوهشهای نظری - کاربردی قرار دارد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و منابع اینترنتی است. با تجزیه و تحلیل پرسش اصلی این مقاله، که «عملکرد و زیرساختهای ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری و تروریستی داعش در سایه تحولات اخیر منطقه غرب آسیا چگونه تبیین می‌شود؟» است پاسخ روشنی برای دو متغیر ساختار و ایدئولوژی در گروه داعش داده شد. نتایج تحقیق نشانگر این است که اطلاق اندیشه سیاسی بر مجموعه اعتقادی و ایدئولوژی داعش بازتولید افکار اندیشه وهابیت، القاعده و گروه‌های افراطی است؛ زیرا مبانی نظری و فکری داعش را نمی‌توان از افکار سلفیان متأخر و وهابیت جدا انگاشت و نیز در بحث ساختار و تشکیلات داعش می‌توان گفت که ساختار این گروه، هرمی و نیز دو وجهی، مرکب از ساختار سلسله مراتبی و شبکه‌ای است و در بررسی عملکرد داعش که از اهداف آن نیز جدا نیست، می‌توان به بازیچه بودن و دنبال کننده منافع غرب اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، جریانهای سلفی، زیرساختارهای ایدئولوژیک و ساختاری، تاکتیکهای داعش.

۱- نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات دفاعی و استراتژیک

۲- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

بخش مهمی از معاهده‌های امنیتی در جهان در صحنه رقابت بین قدرتهای بزرگ منطقه‌ای و جهانی شکل گرفته است. در پس آن می‌توان به عمق فاجعه ناشی از این معاهده‌ها بر روی منافع حیاتی، حساس و ارزشی کشورهای مورد هدف و ملت‌های تحت ستم دست یافت که بازیهای فرقه‌ای یکی از راهکارهای دسترسی به این موارد است که با هدایت پشت پرده بازیگران سیاسی سلطه‌گر در حال اجراست؛ به عبارت دیگر فرقه‌سازی در جهان اسلام از نقشه‌های قطعی استعمارگران بوده و هست. روشن است که استعمارگران غربی با توجه به آموزه‌های اسلام، که هرگونه سلطه‌پذیری را از بیگانگان بر مسلمانان نفی می‌کند و از راه‌های دیگر هم سودی نبرده‌اند، تصمیم به ایجاد اختلاف و دودستگی بر پایه مذهب و مسائل دینی و فرقه‌سازی گرفتند تا به این وسیله بتوانند به اهداف خود برسند. در این راستا و در سالهای اخیر، کشورهای استعماری بویژه امریکا و انگلستان، که هجوم گسترده و همه‌جانبه به جهان اسلام کرده‌اند، می‌کوشند نقشه سیاسی جدیدی بر اساس وفاداری فرقه‌ای ترسیم کنند. به هر حال وضعیت مساعد منطقه غرب آسیا و اطراف آن به گونه‌ای است که راه دسترسی به اهداف نظام سلطه را در قالب هدایت منازعات با بهره‌گیری از اختلافات و تنش‌های سیاسی - مذهبی رقم زده که امروز در ظهور فرقه‌ای به نام داعش تبلور یافته است (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۹۰). گروه دولت اسلامی عراق و شام موسوم به «داعش» یکی از پدیده‌هایی است که از سال ۲۰۱۴م به بعد پس از تحولات شمال سوریه در میان محافل سیاسی منطقه و جهان مطرح شده است. هرچند این پدیده به ظاهر تحولی نو ظهور به شمار می‌رود در واقع این پدیده افراطی - تکفیری حداقل در کوتاه مدت در تحولات منطقه بویژه عراق از سال ۲۰۰۳م به بعد و در دراز مدت در باورها و اندیشه‌های تمامی جریانهای افراطی - تکفیری ریشه دارد که در طول تاریخ جوامع اسلامی همواره حضور داشته‌اند. با توجه به گستردگی حیطه فعالیت گروه تروریستی داعش در مساحتی بسیار گسترده و هم‌چنین مطرح شدن نام این گروه در سطح گسترده‌ای از افکار عمومی جهان و از همه مهمتر دغدغه تمامی کشورهای جهان برای برخورد با این پدیده، ضرورت دارد در این مقاله با استفاده از منابع معتبر به بررسی زمینه‌های تاریخی پیدایش جریانهای سلفی در جهان اسلام و نیز به پیشینه و روند شکل‌گیری گروه داعش اشاره شود و فراز و نشیب‌های دولت

اسلامی (داعش) از تشکیل گروه تا ادعای خلافت مورد تجزیه و تحلیل، و نیز ایدئولوژی، دیدگاه‌ها، ساختار و تشکیلات گروه داعش مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت به اهداف، راهبرد و رویکردهای عملیاتی این گروه پرداخته شود.

بیان مسئله

با لشکرکشی امریکا به عراق، دور تازه‌ای از درگیریهای فرقه گرایانه و مذهبی در غرب آسیا شعله‌ور شد. این درگیریها که بر زمینه‌ها منازعات تاریخی و سرزمینی پدید آمده بود در ترکیب با ناآرامیهای گسترده سیاسی در سوریه و رقابتهای امنیتی دولتهای منطقه چنان ابعاد فاجعه‌آمیزی یافته است که می‌تواند سرنوشت ملت‌های مسلمان را در عصر جدید تغییر دهد. بر زمینه همین درگیریها در سال ۲۰۱۳ میلادی، تبدیل القاعده عراق به گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و سپس اعلام موجودیت دولت اسلامی و خلافت در عراق، که با پیشرویهای گسترده در مناطقی از استانهای نینوا، صلاح‌الدین، الانبار و... همراه بود، توازن قوا و آرایش امنیتی منطقه را دگرگون ساخته، چالشهای فکری و تحلیلی تازه‌ای پیش روی افکار عمومی، نخبگان و متفکران کشورهای اسلامی ایجاد کرد. دغدغه و مشکلی که ذهن بسیاری را به خود معطوف داشت، این بود که چگونه چهار لشکر از ارتش عراق در چندین شهر و استان این کشور و لشکر ۱۷ ارتش سوریه در رقه با وجود یک فرودگاه نظامی در این منطقه، نتوانست در برابر یک گروه شبه نظامی مقاومت کند؛ حتی مهمتر اینکه نیروهای پیشمرگ کردستان عراق به رغم آن پیشینه نظامی و امنیتی بسرعت در مقابل این گروه شکست خوردند. هم‌چنین این پرسش نیز در زمینه تهاجم برق‌آسا و شگفت‌انگیز داعش مطرح است که این گروه شبه‌نظامی در حالی بر مناطقی گسترده از مناطق شمال عراق تسلط پیدا کرد که گروه‌های دیگری چون ارتش آزاد، جبهه اسلامی و جبهه النصره و دیگر گروه‌های تروریستی حاضر در سوریه رقیب آن به شمار می‌آمدند. در کنار توان نظامی این گروه تروریستی، توان امنیتی این گروه معمای دیگری است که اذهان را به خود جلب کرده است. مشکل و دغدغه پژوهشگر به اینجا ختم نمی‌شود؛ بلکه می‌توان گفت این گروه تروریستی در عرصه اقتصادی نیز از منابع مالی بسیار گسترده‌ای برخوردار است که بسیار فراتر از دیگر شبکه‌های

تروریستی دو کشور است. در کنار این پشتوانه مالی گسترده، نکته دیگری که در زمینه این گروه مطرح است، این است که چگونه یک گروه سلفی - تکفیری با پیشینه‌ای سنتی و حتی مخالف دستاوردهای جدید جهان مدرن، توانسته است با بهره‌گیری از وسایل ارتباطی - رسانه‌ای بویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در سطح وسیعی به سرپازگیری، تبلیغ عقاید و بسیج افراد خود برای اقدامات تروریستی در مناطق مختلف اقدام کند. برای شناخت و تحلیل ماهیت و ابعاد درگیریها در غرب آسیا، تا کنون دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی از سوی تحلیلگران سیاسی، نظریه‌پردازان امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و سیاستمداران مطرح شده است که در این مقاله تلاش می‌شود با طرح این مسئله، ضمن روشن‌گری درباره چگونگی پیدایش، ماهیت تشکیلات و سازماندهی داعش، اهداف و ایدئولوژی آن نیز در منطقه تبیین شود، تا به دغدغه نویسنده پاسخ داده شود.

هدف پژوهش

با توجه به هدف داعش، که به ظاهر مدعی احیای خلافت است، ولی در واقع با حمایت غرب و برخی کشورهای عربی به دنبال ترویج اسلام‌هراسی است، می‌توان گفت هدف این مقاله، بررسی تحلیلی زیر ساختارهای ایدئولوژیکی و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش و نیز بررسی زمینه‌های تاریخی پیدایش جریانهای سلفی در جهان اسلام و هم‌چنین بررسی اهداف، راهبرد ها و رویکردهای عملیاتی این گروه تروریستی و فراز و نشیب‌های این گروه از تشکیل آن تا ادعای خلافت است.

پرسش‌های تحقیق

الف: پرسش اصلی

عملکرد و زیر ساختهای ایدئولوژیکی و ساختاری گروه تکفیری و تروریستی داعش در سایه تحولات اخیر منطقه غرب آسیا چگونه تبیین می‌شود؟

ب: پرسش فرعی

اهداف، راهبرد ها و رویکردهای عملیاتی گروه تکفیری و تروریستی داعش چیست؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش‌های اصلی و فرعی در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده شده است. روش توصیفی - تحلیلی، این است که محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و منابع اینترنتی است؛ لذا در این روش با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران و جستجو در فضای اینترنت اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری، و سعی شده است، تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی صورت پذیرد و به پرسش‌های تحقیق پاسخ مناسبی داده شود.

ادبیات نظری پژوهش

۱ - مفهوم شناسی

۱ - ۱ - تروریسم: ترور^۱ در فرهنگ سیاسی به «احساس ترس» معنی شده است. واژه تروریسم^۲، عقیده داشتن بر لزوم آدم‌کشی، تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای رسیدن به هدفهای سیاسی یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت و یا واگذاری آن به گروه دیگری معنا شده است. واژه ترور از زبان فرانسه به زبان فارسی راه یافته است و در زبان فرانسه و انگلیس نیز به معنای ترس و وحشت به کار برده می‌شود.

تعریف تروریسم: با مطالعه مباحث مجامع بین‌المللی و بررسی تروریسم، می‌توان دو گروه عمده از دیدگاه‌ها را از یکدیگر تشخیص داد:

۱ - ۱ - ۱ - تعریف گسترده تروریسم: استفاده از این دیدگاه به منظور فهم تروریسم، بدون در نظر گرفتن «انگیزه‌های اقدام‌کننده» و «پذیرش خود فعالیت از سوی بشریت» بی نتیجه خواهد بود. البته این دو همواره لازم و ملزوم هم نیست؛ یعنی ممکن است، انگیزه‌های شخصی فرد اقدام‌کننده - به عملی که تروریستی تلقی می‌شود - در نگاه اول انسانی به نظر آید؛ اما از نظر دیگر جهانیان و

1. Terror
2. Terrorism

بشریت اقدام وی سزاوار سرزنش و محکومیت تشخیص داده شود؛ به همین ترتیب احتمال دارد فرد اقدام‌کننده با هدف و محرکی غیر انسانی به اقدام دست زند؛ اما افکار عمومی جهانیان آگاهانه یا ناآگاهانه عمل وی را تایید کند و به تحسین و تمجید آن پردازد.

۱- ۲- تعریف محدود تروریسم: طرفداران این دیدگاه - ضمن اشاره به گستردگی دامنه تعریف گروه مقابل - معتقدند وسعت قلمرو و مصداق‌های این تعریف از سویی آنان را تا مرحله فراگیری غیرلازم پیش می‌برد و از سوی دیگر غیر قابل مرزبندی بودن مفاهیم آن - به علاوه اختلاف برداشتها و تعاریف و احتمال سوء تعبیر - مجموعاً وضعیتی را به وجود می‌آورد که هر گونه تلاش برای رسیدن به تفاهم حول محور این تعریف، پیشاپیش به شکست و ناکامی محکوم است (محمدی، ۱۳۷۵). اصطلاح تروریسم می‌تواند به معنای اقدامات خشونت بار سیاسی از پیش برنامه‌ریزی شده، علیه اهداف غیر نظامی توسط گروه‌های خرده ملی یا عوامل مخفی تعریف شود که معمولاً برای اثر بخشی بر مخاطبان انجام می‌شود (Halliday, 2002, p.25). مؤسسه یادبود ملی پیشگیری از تروریسم^۱ از این تعریف بهره می‌گیرد: خشونت عمدی و با انگیزه سیاسی علیه اهدافی خاص از سوی گروه‌های فرو ملی یا عوامل زیرزمینی که معمولاً با هدف تأثیر گذاری از طریق رعب و وحشت صورت می‌گیرد (Katona, 2006, p.13).

۱- ۲- داعش: نام اختصاری «الدوله الاسلامیه فی العراق و الشام» است که پس از ناآرامیهای مناطق شمال سوریه در سال ۲۰۱۳ جایگزین دولت اسلامی عراق شد. مناطق تحت سلطه داعش، که صرفاً شمال عراق و سوریه را در بر می‌گرفت، پس از حملات موفقیت‌آمیز عناصر این گروه به مناطق شمالی عراق و تصرف استان موصل در ژوئن ۲۰۱۴م، نام خود را به دولت اسلامی یا خلافت اسلامی تغییر داد که در پی تشکیل حکومت اسلامی در سراسر سرزمینهای اسلامی منطقه حتی فراتر از آن است (اقبال، ۱۳۹۵: ۵).

۱- ۳- جریانهای سلفی: سلفیت واژه عربی است که از کلمه سلف گرفته شده است. سلف در لغت به معنای پیشینیان و گذشتگان است. سلف در اصطلاح فقهی نیز نوعی دادوستد است که به

1. The National Memorial Institute for the Prevention of Terrorism.

آن معامله سلف می‌گویند. اما جریانهای سلفی در اصطلاح امروزی، نام عده‌ای از گروه‌ها، سازمانها و شخصیت‌های اهل سنت است که برای احیای دوران سلف یا احیای سیره سلف صالح و ایجاد خلافت اسلامی تلاش می‌کنند. برخی بر این باورند که مکتب سلفیه، همان مکتب ابن تیمیه است؛ زیرا به زعم این عده آنچه امروز به عنوان افکار سلف و مذهب سلفیه در منابع و رسانه‌ها مطرح می‌شود، همان افکار ابن تیمیه است که به اسم سلف (صحابه و تابعین) مطرح می‌شود (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۱۰) و این جریان انواع مختلفی دارد که شامل سلفیت وهابی تکفیری، سلفیت دیوبندی، گروه اخوان المسلمین و گروه سلفیه جهادی است.

۱- ۴ - گروه‌های تکفیری: گروه‌های تکفیری به گرایش گروهی از سلفی‌ها گفته می‌شود که مخالفان خود را به این دلیل که اعتقاد آنها را قبول ندارند، کافر، و در مواردی قتل آنها را واجب می‌دانند. بر اساس مبانی فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد؛ به این معنا که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود از دین خارج، و کافر شمرده می‌شود که اگر این کافر اکبر باشد، جهاد علیه‌شان واجب می‌شود (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۹۴).

۲ - پیشینه و زمینه‌های تاریخی پیدایش جریانهای سلفی

در همه گزارشها و پژوهشهایی که تا کنون درباره روند شکل‌گیری گروه‌های افراطی در غرب آسیا و جهان اسلام انتشار یافته است، اشاراتی به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری این جریان دیده می‌شود. در بحث از زمینه‌های تاریخی، غالباً علت‌های سیاسی را بر عوامل فکری و عقیدتی مقدم می‌دانند. این گفته را می‌توان این‌گونه درک کرد که اختلافات عقیدتی پس از آن به طور مبسوط در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گرفت که موضوع جانشینی پیامبر اسلام (ص) به چالشی سیاسی تبدیل شد و مسلمانان را از یکدیگر جدا کرد (مصطفی، ۱۳۹۴: ۸). از این رو بررسی شکل‌گیری گروه‌های سلفی‌گری و گروه‌های تکفیری را با اشاره مختصری به زمینه‌های سیاسی تاریخی و فکری می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۲- ۱ - زمینه‌های سیاسی: در نظر اعراب جاهلیت، قبیله یک واحد سیاسی بود (سالم، ۱۳۸۰: ۳۰۹). به تعبیر شهید مطهری، «زمانی که اسلام ظهور کرد در میان اعراب مسئله خویشاوند پرستی و

تفاخر به قبیله و نژاد بشدت وجود داشت. عربها در آن زمان چندان به عربیت خود نمی‌بالیدند؛ زیرا قومیت عربی به صورتی که عرب خود را یک واحد در برابر سایر اقوام ببینند وجود نداشت. واحد مورد تعصب عرب واحد قبیله و ایل بود و آنها به اقوام خود تفاخر می‌کردند؛ اما اسلام با شدت با آنها مبارزه کرد. قرآن کریم در کمال صراحت می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا انکم عندالله اتقیکم»: ای مردم، ما همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا بدین وسیله یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. (مطهری، ۱۳۵۸: ۶۶). اما از آنجا که منابع اسلامی بویژه قرآن و روایات پیامبر(ص)، تفاخرات قبیله‌ای را تأیید نمی‌کردند، نزاعهای نژادی کنار گذاشته شد و در پوشش منازعات سیاسی و فکری تداوم یافت. خوارج بزرگترین و قدیمی‌ترین فرقه اسلامی‌اند که به مجرد طرد شدن از مرکزیت جامعه اسلامی، مخالفان را به کفر متهم ساختند و خود نیز از سوی مخالفان با همین اتهام روبه‌رو گردیدند.

۲-۲ - شکافهای فکری و عقیدتی: ویژگی گروه‌های تکفیری این است که دیگران از جمله مسلمانان ناهمسو با خود را به کفرورزیدن متهم می‌کنند و در راه هلاک آنها قدم برمی‌دارند. بعد از اینکه مسئله جانشینی، گروه‌های اسلامی را در برابر هم قرار داد، اختلافات عقیدتی برای تحکیم مواضع هر گروه به شکل جدی مطرح شد. این اختلافات یا ریشه در چگونگی برداشت و تفسیر قرآن و اصول و عقاید داشت و یا به اختلاف در فروع احکام و روشهای فقهی باز می‌گشت. در نتیجه، دسته‌بندیهای گوناگون کلامی و فقهی میان مسلمانان شکل گرفت و به منازعات دامنه‌داری تبدیل شد به طوری که اصحاب و پیروان فرق‌های مختلف مانند قدریه، مجبره، جهمی و... به طرد و لعن و تکفیر و خونریزی و قتل یکدیگر پرداختند. در اینجا باید اشاره کرد که اندیشه و مبانی فکری عقیدتی گروه‌های تکفیری به هیچ یک از فرق‌های اهل سنت ارتباط ندارد؛ بلکه اینها برداشت نادرست و تحریف در اندیشه حنبلی است که به چنین اقداماتی دست می‌زنند.

روند و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری سلفی‌گری تکفیری: روند و زمینه‌های تاریخی سلفی‌گری تکفیری را می‌توان در دو حوزه مورد بررسی قرار داد: الف - اندیشه‌های ابن تیمیه ب - اندیشه‌های

وهابیت.

الف: اندیشه‌های ابن تیمیه. تقی‌الدین احمد بن عبدالرحیم مشهور به ابن تیمیه، دانشمند و فقیه مسلمان حنبلی مذهب در زمانه‌ای می‌زیست که سقوط مرکز خلافت در بغداد و مرگ خلیفه، وحدت سیاسی اهل سنت را از هم گسسته و رعب و وحشت را بر سراسر عالم اسلام مستولی کرده بود. وی، که مسلمانان را در برابر تهاجم مغولان فرا می‌خواند (زریاب خوئی، ۱۳۶۹: ۱۷۱) در عرصه اعتقادی نیز با نظریات افراطی و مناقشه برانگیز، همه مکاتب کلامی، مذاهب فقهی و نحله‌های عرفانی را از دم تیغ انتقاد و گاه لعن و سب و تکفیر می‌گذراند (زریاب خوئی، ۱۳۶۹: ۱۷۸). مجادله‌های کلامی فقهی ابن تیمیه با اصحاب و علمای مذاهب اسلامی، نقش انکارناپذیری در تشدید مجادله‌ها و منازعات درون‌دینی بویژه میان سلفیون افراطی و پیروان محمد بن عبدالوهاب با شیعه داشت. از نمونه این مجادلات می‌توان به اثر مشهور علامه حلی به نام «منهاج الکرامه فی معرفه الامامیه» اشاره کرد که در بردارنده صورتبندی مدونی از مهمترین انتقادات شیعه درباره چگونگی انتخاب و عملکرد خلفای سه‌گانه و نیز تبیین اصول کلامی و اعتقادی امامیه است که وجه مشترک همه انتقادات این است که هر سه خلیفه اول با تکیه به رأی شخصی به خلافت رسیده و رهنمودهای کتاب (قرآن) و سنت نبوی را نادیده گرفته‌اند (عنایت، ۱۳۷۲: ۶۷). ابن تیمیه در «منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه» اساس مجادله‌ای را با تشیع پی می‌گیرد که پس از او همواره، پایه جدلهای مخالفان شیعه بویژه وهابیان، سلفی‌های جدید و تکفیریون بوده است (عنایت، ۱۳۷۲: ۶۹). نظریه‌های افراطی ابن تیمیه، شمار زیادی از علمای اهل شیعه و نیز تعداد زیادی از بزرگان و علمای اهل سنت را به مخالفت با اندیشه او کشانده است و بر ضعف و نادرستی برخی از آرای او تأکید کردند تا آنجا که علی بن عبدالکافی، معروف به السبکی از عالمان اهل سنت، او را بدعتگذار خواند و عقاید او را مساوی با کفر خوانده است (السبکی، ۱۳۴۷: ۲).

ب: اندیشه‌های وهابیت. پس از درگذشت ابن تیمیه، سلفی‌گری در مراکز اصلی نشر اسلام رونق خود را از دست داد تا اینکه محمد بن عبدالوهاب در سرزمین نجد به احیای این شیوه همت گماشت (سبحانی، ۱۳۸۸: ۶ و ۷). با ظهور وهابیت در سده‌های اخیر، سلفی‌گری از حمایت نیروی

سیاسی مؤثرتری در جهان اسلام برخوردار شد. قدرت یابی وهابیت در عربستان در اوضاع منطقه و تلاش انگلیس برای تضعیف امپراتوری عثمانی ریشه دارد. آرا و عقاید محمدبن عبدالوهاب مبدع مسلک وهابیت، تحت تأثیر تعلیم علمای حنابله و ابن تیمیه بود (مشکور، ۱۳۸۴: ۴۵۸).

وهابیون تحت تأثیر آرای ابن تیمیه از تأویل آیات قرآن کریم پرهیز می‌کنند و بر حسب ظاهر برخی آیات و احادیث برای ذات خداوند اثبات و جهت می‌کنند و او را دارای اعضا و جوارح می‌دانند (سبحانی، ۱۳۹۰: ۳۰). با مرگ محمد عبدالوهاب، پیروان او به همین شیوه ادامه دادند. نقطه عطف تاخت و تاز وهابیون، یورش به کربلا در عید غدیر سال ۱۲۱۶ق است. این حادثه از لحاظ شمار کشتار اهالی بی‌دفاع، شاید در تاریخ حرکت وهابیون بی‌مانند باشد (موجانی، ۱۳۹۰). بعد از پایان جنگ اول جهانی و تجزیه امپراتوری عثمانی، حکومت آل سعود توانست با حمایت دولت استعماری بریتانیا و تلفیق قدرت نظامی با مسلک وهابیت، سراسر منطقه نجد و حجاز را تحت تسلط درآورد و حکومت پادشاهی آل سعود را در عربستان تأسیس کند. به طور کلی می‌توان گفت ابن تیمیه، نحله‌های فکری سلفی را حول اصول و شالوده نظری منسجم ساخت و محمدبن عبدالوهاب در پی برقراری اتحاد با آل سعود، علاوه بر اینکه شالوده نظری سلفیه را به تکیه‌گاه قدرت و رژیم سیاسی تبدیل کرد، توانست تفکر ابن تیمیه را گسترش دهد و اصول سلفی را همچون الگوی تفکر، عمل جمعی و رفتار فردی در میان کثیری از اهل سنت از علما تا عوام در جامعه رسوخ دهد.

۳- چگونگی شکل‌گیری گروه تکفیری - تروریستی داعش

تجربه تاریخی در منطقه، نشانگر ظهور و ضعف تدریجی نیروهای تکفیری است. این طیف از نیروها با توجه به قدرت بسیج روانی و هم‌چنین بهره‌برداری از نارضایتیهای انباشته شده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه، قدرت بسیج اجتماعی بی‌نظیری به دست آورده‌اند. شعارهای جذاب تکفیریها همچون مبارزه با کفر، استبداد، ستمگری، وعده احیای سنتهای الهی، تشکیل حکومتی مبتنی بر شریعت اسلامی، برقراری قسط و عدالت اجتماعی در جامعه، ناخواسته بسیاری از نیروهای مذهبی و حاشیه‌ای و حتی روشنفکر را به سمت داعش به عنوان مبدأ و آمال اندیشه‌های اسلامی و ضد غربی جلب می‌کند (ببری، ۱۳۹۳: ۲). دلایل مردم منطقه غرب آسیا را، که سبب جذب آنها به

گروه تروریستی داعش شده است، این گونه می‌توان توجیه کرد: در نظام جهانی، کشورهای منطقه غرب آسیا به دلیل وجود منابع غنی از جمله نفت و گاز، همیشه مورد توجه کشورهای بزرگ صنعتی یا به عبارت دقیقتر کشورهای استعمارگر بوده‌اند. در واقع کشورهای غرب آسیا، که از شمال آفریقا تا جنوب غربی آسیا را فرا می‌گیرد، سابقه طولانی از استعمارزدگی و حضور بیگانگان دارند. این سابقه در منطقه خلیج فارس به ابتدای قرن شانزدهم می‌رسد (ساعی، ۱۳۹۱: ۷۸). در قرن بیستم با پیدایش نفت در منطقه، رقابت قدرتهای بزرگ بر سر تصاحب طلای سیاه شکل گرفت. همه تلاشها در جهت نفوذ و سلطه بیشتر بر این کشورها بود. این اشتیاق کشورهای استعمارگر نه تنها بر عرصه اقتصادی بر این کشورها تأثیر گذاشت و آنها را به بازار مصرف کالاهای تولیدی خود تبدیل کرد، بلکه ساختار سیاسی و اجتماعی آنها نیز دچار تحولات ناخوشایندی شد. ویژگیهایی نظیر خود کمتر بینی قومی و فرهنگی و تلاش برای تقلید از بیگانگان، توطئه‌نگری، سلب مسئولیت از خود و انداختن همه مسئولیتها به گردن بیگانگان، بدبینی و غیره (ساعی، ۱۳۹۱: ۸۸).

۴ - فراز و نشیب‌های دولت اسلامی از تشکیل گروه تا ادعای خلافت

گروه تروریستی داعش در ابتدا از قلب گروه توحید و جهاد بیرون آمد. این گروه تروریستی - تکفیری در سال ۲۰۰۳ و با هدف مقابله با تهاجم امریکا علیه عراق پایه‌گذاری شده، و به شاخه عراقی القاعده معروف بود. پس از آن بود که ابو عمر البغدادی گروه دولت اسلامی در عراق را شکل داد؛ اما در میانه‌های جنگ داخلی سوریه، این گروه با رهبری ابوبکر البغدادی با گروه جبهه النصره متحد شد و با سودای تشکیل حکومت در منطقه شام و عراق، فعالیت خود را ادامه داد. رهبران داعش در اوایل سال ۲۰۱۴، فعالیت‌های خود را با ورود به منطقه فلوجه متمرکزتر از پیش کردند و در اواسط بهار بود که این گروه تروریستی حرکت اصلی خود را آغاز کرد. داعش در این مدت توانست موصل، یکی از شهرهای مهم شمال عراق را تصرف، و با سرعتی بیش از حد تصور به سوی بغداد پیشروی کند (مستوفی، ۱۳۹۳: ۴۸).

بنابراین به طور دقیقتر و کاملتر می‌توان شکل‌گیری گروه تکفیری داعش را از آغاز تا کنون

این گونه توضیح داد:

۴-۱- گروه تکفیری «جماعه التوحید و الجهاد»

در سال ۲۰۰۳م بعد از سقوط بغداد، زرقاوی از شمال عراق به بغداد مهاجرت کرد تا از فرصت طلایی بدست آمده استفاده کند و از آنجا هسته اولیه گروه کوچکی تشکیل شد که این گروه روز به روز و سرعت در حال وسیع شدن بود. زرقاوی از طریق ارتباطات گسترده خویش و کمک گرفتن از گروهی که در افغانستان آن را تأسیس کرده بود که عمدتاً آن گروه از کشورهای عرب زبان و هسته اصلی آن را اردنی‌ها تشکیل می‌دادند، توانست قدرت خویش را بر گروه‌های دیگر تحمیل کند و با عملیات انتحاری که از جمله آنها می‌توان به عملیات انتحاری که در مقر سازمان بین‌الملل در عراق صورت گرفت و منجر به کشته شدن ۲۲ نفر گردید که در بین کشته‌ها می‌توان به نماینده سازمان بین‌الملل، سیرجیو فیرا دی میلو و ۱۰۰ مجروح اشاره کرد. وی با عملیات انتحاری در عراق توانست تأیید و یاری گروه‌های دیگر از جریان سلفی اربابی (جهادی) را به دست آورد. در ابتدا گروهی تشکیل داد و نام آن را «جماعه الزرقاوی» نهاد؛ اما بعد از محقق شدن شخصی به نام عمر یوسف جمعه، معروف به ابوانس الشامی به گروه و بررسی پیشرفتهای القاعده در عراق، ابوانس شامی توانست زرقاوی را قانع کند که گروهی با نام و عنوان مشخص تشکیل دهد تا همه گروه‌های اربابی دیگر بتوانند زیر پرچم آن فعالیت کنند و اسم این گروه را «جماعه التوحید و الجهاد» نهاد. بنابراین گروه نامبرده در اواخر سال ۲۰۰۳م تشکیل یافت. بلافاصله ساختار گروه به رهبری زرقاوی و مجلس شوری و تعداد دیگر از کمیته‌های سازمانی، نظامی، خبری، امنیتی، مالی و شرعی تأسیس یافت. براساس تحقیقاتی که نهادهای اطلاعاتی عراق در سال ۲۰۰۴م انجام دادند، نیروی‌های تروریستی گروه "جماعه التوحید والجهاد" از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد و عموماً عراقی بودند و هسته اولیه و اساسی این گروه را نیروهای اردنی تشکیل می‌دادند. اشخاص وفادار به زرقاوی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول معروف به مخلصین وفاداران به زرقاوی که شامل ابوانس الشامی معروف به عمر یوسف جمعه، خالد مصطفی خلیفه العاروری معروف به ابوالقاسم و ابوشرف، نضال محمد العرب معروف به ابو حمزه محمد، ابو محمد اللبنانی،

ابوعلی العراقی، حسن ابراهیم و گروه دوم به کادر گروه معروفند این اشخاص، که هسته اولیه «جماعه التوحید والجهاد» را تشکیل می‌دهند و نزدیک به ده نفر و همه اردنی هستند، عبارتند از موفق علی احمد العدوان معروف به ابو عمر و ابی انس الجعفری، جمال رفعت راتب العتیبی معروف به ابو عبدالله و جمال عوایس، صلاح الدین محمد طاهر العتیبی معروف به عبدالعزیز العززی و ابو جهاد، محمد اسماعیل نایف الصفدی معروف به ابو حارث، ساری محمد حسن شهاب معروف به ابوسفر و صهب، معاذ اسعاف عبدالله النور معروف به ابو عقیق، شحاده ناجی شحاده الکیلانی معروف به عزالدین، محمد راتب ابراهیم قطیشات معروف به خالد، منذر عبداللطیف یوسف شما معروف به ابو حارث و منذر الطمونی و عمر عزالدین عصام العتیبی معروف به البتار و زکریا عمر البرقاوی. منطقه تحت نفوذ و سیطره جماعه التوحید والجهاد به نه بخش که هر یک از این بخشها با رهبری کاملاً مستقل از دیگر بخشها تقسیم شد و شامل شهر فلوجه که به عنوان ستاد فرماندهی شمرده می‌شد به رهبری ابو نوری الفلوجی و ۵۰۰ تروریست را در خود جای داده بود. منطقه بغداد به رهبری عمر بازیانی که ۵۰ تروریست را در خود جای داده بود. منطقه الشمالیه به فرماندهی حسین سالم اداره می‌شد و شامل استان الانبار می‌شد که رهبری آن به عهده ابو عزام عبدالله بود و ۶۰ تروریست را در خود جای داده بود. رهبری شهر الموصل بر عهده ابوظلحه بود که بر فعالیت ۴۰۰ تروریست نظارت می‌کرد. نهادهای اطلاعاتی عراق نیروهای شهر سامرا را به ۵۰ نیرو و استان دیاله را به ۸۰ نیرو و شهر قائم، که نزدیک مرز سوریه است را به ۱۵۰ نیرو برآورد کرده بود (شریفات، ۱۳۹۴).

۴-۲- گروه تکفیری «القاعده الجهاد فی بلاد الرافدین»

هشت ماه پس از تشکیل گروه «جماعه التوحید والجهاد»، ابومصعب زرقاوی در ۸ اکتبر ۲۰۰۴ با اسامه بن لادن بیعت، و فعالیت خود را با نام «القاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» در عراق آغاز کرد (محمد عبدالحمید، ۲۰۱۶: ۴۰). این سازمان خطرناکترین گروه تروریستی عراق است که فعالیتهایش شامل بمبگذاری خودروها، ترور و آدم‌ربایی، کشتن بی‌گناهان، سربردن و مثله کردن اجساد می‌شود. این سازمان با سازمانهای نظامی بعثی مثل ارتش اسلامی عراق و گردانهای

نوره‌العشرین و هم‌چنین با سازمانهای تروریستی جهانی ارتباط مستحکمی دارد. حوزه فعالیت این سازمان مناطقی چون انبار، موصل، تکریت، دیالی و حومه‌های جنوبی و شمالی و غربی بغداد است. ساختار نظامی آن را غیر نظامیان افراطی داخلی و خارجی تشکیل می‌دهند و از آغاز تأسیس، رهبری آن برعهده ابومصعب زرقاوی بوده است. داعش قبل از اینکه به این مرحله برسد و به این عنوان نامگذاری شود یعنی در مرحله دوم تکامل خود، که به قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین معروف است، شاخه‌ای از القاعده بیش نبود و اسامه بن لادن را امیر خود می‌دانست و از آن پیروی می‌کرد و می‌توان گفت که مقبولیت اولیه زرقاوی و گروه کوچکش در گروهی تأیید و حمایت مالی القاعده مادر بود. پرفسور «دانیال بایمان» استاد برنامه‌های امنیتی در دانشگاه جورج تاون در مورد ارتباط داعش و القاعده می‌گوید: «علاقه و ارتباط این دو سازمان به سالهای دور برمی‌گردد. این دو سازمان باهم پیمان قوی داشتند اما به دلیل برخی از اختلافات به دشمن سرسخت تبدیل شدند. سازمان تروریستی داعش، وجود و توسعه خود را مدیون القاعده است اما هنگامی که این سازمان گسترش یافت برای اینکه خود را مستقل جلوه دهد و با ریزنی کردن با برخی از گروه‌های مسلح سلفی و بزرگان عشایر سنی‌نشین در عراق، گروه القاعده فی بلاد الرافدین، منحل، و پیمان المطیبین منعقد گردید و از آنجا نقطه شروع استقلال این سازمان اراهایی کلید خورد. از پیمان المطیبین چند ماهی نگذشته بود که این سازمان تشکیل دولت اسلامی و استقلال کامل از القاعده رقم خورد و از آن پس هیچ‌گونه ارتباط درون سازمانی صورت نگرفت. هر گروه، چه القاعده مادر و چه دولت اسلامی عراق مستقلاً عمل می‌کردند و البته این استقلال‌طلبی عواملی داشت (شریفات، ۱۳۹۴).

۴-۳- گروه تکفیری دولت اسلامی عراق

با هلاکت زرقاوی شورای مجاهدان منحل، و به‌جای آن دولت اسلامی عراق تشکیل شد. گروه "دولت اسلامی در عراق" در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ پس از نشست شماری از گروه‌های مسلح در عراق شکل گرفت. در این نشست "ابوعمر البغدادی" رئیس مجلس شورای مجاهدان به عنوان سرکرده آن تعیین شد (ابوهنیه، ۲۰۱۵: ۳). این گروه از زمان تشکیل در سال ۲۰۰۶ عملیات و حملات

تروریستی بسیار را در عراق برعهده گرفت. پس از هلاکت "ابوعمر البغدادی" در ۲۰۱۰/۴/۱۹ "ابوبکر البغدادی" به عنوان جایگزین وی و امیرالمؤمنین در دولت اسلامی انتخاب و معرفی شد (عماد، ۲۰۱۳، ج ۲: ۲۰۸۸). با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند.

۴-۴ - گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام

دولت اسلامی عراق و شام (به عربی: الدولة الإسلامية في العراق والشام) با نام اختصاری داعش یک گروه ستیزه‌جوی جهادگرای سلفی است که پیروی یک آموزه بنیادگرایی است. این گروه، که از ژوئیه ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرده است و خود را دولت اسلامی می‌نامد، بخشهای بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه و بخشهای کوچکی را در لیبی، نیجریه و افغانستان در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از مجاهدان سلفی جدا شده از شبکه القاعده تأسیس شده و با دولتهای عراق و سوریه و دیگر گروه‌های شورشی مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است. داعش یکی از رادیکالترین گروه‌های اسلامگرا در خاورمیانه است. آنها علاوه بر عراق و سوریه، بخشهایی از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود دارند و گروه‌های هم‌پیمان آن در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و آسیای جنوب شرقی نیز فعال هستند. این گروه، که وارد جنگ با دولت عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه تروریستی دیگر ائتلاف کرد و «مجلس شورای مجاهدان» را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان انبار و سیعترین استان عراق به شمار می‌رفت. با آغاز جنگ داخلی سوریه، نیروهای دولت اسلامی وارد سوریه نیز شدند و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «دولت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس با نام مخفف داعش معروف شدند. آنها بسرعت بخشهایی از شمال شرقی سوریه را تصرف، و شهر رقه را پایتخت خود انتخاب کردند، سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کردند و موفق شدند رمادی و فلوجه مهمترین شهرهای استان انبار در عراق را به قلمروی خود اضافه کنند. در ژوئن ۲۰۱۴ مهمترین موفقیت داعش با تصرف موصل - دومین شهر بزرگ عراق - به دست آمد. آنها در ماه‌های بعد نیز

پیشرویهای زیادی کردند و تا خرداد ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و بخشهای شمال غربی عراق را در تصرف خود دارند. داعش در این دوره بخشهایی از متصرفات خود را نیز از دست داد و از جمله شهر مهم تکریت را در فروردین ۱۳۹۴ به ارتش عراق و نیروی شبه نظامی حشد شعبی واگذار کرد که برای جنگ با این گروه تشکیل شده بود. داعش در اواسط نوامبر ۲۰۱۵ سنجر را هم از دست داد؛ هم‌چنین در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۵ رمادی را از دست داد. گفته می‌شود این دومین بار است که این گروه این شهر را از دست داده است. هم‌چنین دولت عراق اعلام کرد که عملیات بعدی آنها تصرف موصل دومین شهر بزرگ عراق است و افزود که بعد از یک یا دو سال داعش را از عراق بیرون خواهند راند. این گروه پس از گسترش متصرفات خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس نام آن «دولت اسلامی» است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده است و ابوبکر بغدادی رهبر گروه را نیز به عنوان خلیفه معرفی کرد و فعالیتهای حکومتی خود را گسترش داد (از جمله این اقدامها چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، درست کردن پلیس، صدور نفت، راه‌اندازی شبکه تلویزیون، برگزاری گشت‌های گردشگری است). هرچند ریشه داعش به گروه‌های مرتبط با شبکه القاعده می‌رسد با جبهه النصره شاخه رسمی القاعده در سوریه وارد جنگ شده و القاعده بارها نسبت داعش را به خود رد کرده است. شکاف بین القاعده و داعش به سال ۲۰۱۳ میلادی بر می‌گردد. الظواهری در این سال بعد از اینکه گروه داعش به بدرفتاری با شهروندان سوری و شورشیان رقیب متهم شد از این گروه خواست، فعالیتهای خود را روشن سازد (اقبال، ۱۳۹۵: ۱۸).

۴-۵- اهداف، عملکرد، راهبرد و رویکردهای عملیاتی گروه داعش

اهداف و راهبرد این گروه تکفیری در متون مختلف، اغلب نزدیک به یکدیگر و گاه به جای هم به کار می‌رود؛ بنابراین در توضیح کوتاهی می‌توان گفت: اهداف، بیانگر خواست کلی در دراز مدت است که بدون در نظر گرفتن شرایط و امکان دستیابی مطرح می‌شود؛ اما راهبرد، طرح کلان برای دستیابی به اهداف مشخص در موقعیت نامطلوب و غیر قابل کنترل است که در آن، منابع، راه‌حلهای و اقدامات به تناسب هدفهای تعیین شده و در جهت دستیابی به آنها به کار گرفته می‌شود.

(مصطفی، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

۴-۵-۱- اهداف و عملکرد گروه داعش

۱- دنبال کننده منافع غرب

۲- تبدیل شدن به بازیچه غرب و کشورهای غربی، بویژه امریکا

البته بند اول و دوم در این بحث بیانگر عملکرد داعش است؛ لذا برای مستند کردن این موارد می‌توان به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اشاره کرد: رهبر انقلاب در دیدار با شرکت کنندگان در کنگره جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام فرمودند: «یک نکته غیر قابل انکاری وجود دارد و آن این است که جریان تکفیر و حکومتهایی که پشتیبان و حامی آن هستند، کاملاً در جهت نیت استکبار و صهیونیسم دارند حرکت می‌کنند. کار آنها در جهت هدفهای امریکا و دولتهای استعماری اروپا و رژیم اشغالگر صهیونیستی است». شواهد و مستنداتی این معنا را قطعی می‌کند. در غرب و حتی همین منطقه غرب آسیا، کم نیستند کسانی که با نگاه "شائل بن افرایم" تحلیلگر صهیونیست، نسبت به داعش و ارتباط مستقیم آن با منافع ملی ایالات متحده موافقت می‌کنند. بن افرایم معتقد است که داعش کاملاً مطابق منافع راهبردی و ملی امریکا عمل می‌کند و فرصت کنونی که به یمن جریان تکفیری ایجاد شده، نقطه عطفی است که امریکا می‌تواند از آن برای ایجاد نوعی موازنه قوا در منطقه استفاده کند و به نوعی قدرت ایران را، که با حمله امریکا به عراق و سقوط صدام حسین و به قدرت رسیدن دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت شامل حزب الله و حماس روندی رو به تزاید داشت، تعدیل کند. این تحلیلگر صهیونیستی ادعا می‌کند دامنه نفوذ ایران، که از غرب افغانستان تا مدیترانه را در بر می‌گیرد، چالشی بزرگ برای ایالات متحده به شمار می‌رود و داعش قویترین سد مقابله با نفوذ ایران در غرب آسیاست.^۱

از شواهد و مستندات می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) تربیت جریان تکفیری در دامن امریکا. اساساً بسیاری به زندان «بقا»، که امریکا بسیاری از

1. <http://www.internationalpolicydigest.org/2014/08/26/isis-actually-good-u-s-strategy-region/>

رهبران بلندپایه داعش را در آن به اصطلاح محبوس و سپس آزاد کرد، مدرسه بقا می‌گویند که در آن، افراطی‌گری و حتی شیوه عملیات تروریستی مشق می‌شود. افرادی نظیر ابو ایمن عراقی، ابوبکر البغدادی و اسامه البلاوی، که همگی از سران جریان تکفیری هستند، سابقه حضور در زندان بقا و سپس آزادی از آن را در کارنامه دارند؛^۱ حتی حمایت تسلیحاتی آمریکا از جریان تکفیری هم بر کسی مخفی نمانده است. در جریان محاصره کوبانی توسط تکفیریه‌ها و در حالی که امریکاییها مدعی بودند تلاش دارند با فرستادن هوایی محموله‌های نظامی به مبارزانِ گُرد کمک کنند، بسیاری از این سلاحها به دست نیروهای موسوم به داعش افتاد.^۲ این اتفاق تنها یک بار انجام نشده و بارها تکرار شده است و امریکاییها به هر حيله‌ای که شده است، نیروهای داعش را تسلیح کرده‌اند. چندی پیش هم یک نماینده عراقی فاش کرد که هواپیماهای آمریکایی، تجهیزاتی برای گروه تروریستی داعش در منطقه محاصره شده «جلولا» در استان دیاله پرتاب کرده‌اند.^۳ اساساً فارغ از هرگونه ارتباط ارگانیک میان آمریکا و تکفیریه‌ها، بررسی خط‌مشی این جریان در تمامی منطقه بخوبی نشان‌دهنده این است که این گروه در راستای تأمین و تضمین منافع ایالات متحده و متحدانش نظیر رژیم صهیونیستی، گام برمی‌دارد. بی‌تردید صرف اینکه مجروحان داعش در بیمارستانهای رژیم صهیونیستی مداوا می‌شوند و حتی نخست‌وزیر این رژیم از مراحل درمان آنها بازدید و بر آن نظارت می‌کند، خود گویای بسیاری از مسائل است.^۴

ب) انحراف بیداری اسلامی. بی‌تردید یکی از بزرگترین ضربات پدیده شوم تکفیر به جهان اسلام، انحراف موضوع بیداری اسلامی بوده است. در ابتدای کلید خوردن فرایند بیداری اسلامی در منطقه، تکفیریه‌ها کوشیدند که نسخه بدلی از بیداری اسلامی را در سوریه ارائه کنند و با این نگاه، جنایات سازمان‌یافته خود را در سوریه آغاز کردند که هنوز هم ادامه دارد. تبلیغات غربی و عربی هم به کمک آنها شتافت و تلاش کرد اتفاقاتی که در مصر، لیبی، تونس و... به‌عنوان بیداری اسلامی به وقوع پیوسته بود با رخدادهای سوریه همسان‌سازی کند و تروریست‌های وارداتی سوری

1. <http://english.al-akhbar.com/node/21519>.

2. http://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2014/10/21/u-s-accidentally-delivered-weapons-to-the-islamic-state-by-airdrop-militants-allege/?Post+generic=%3Ftid%3Dsm_twitter_washingtonpost.

3. <http://fa.alalam.ir/news/1643019>.

4. <http://www.washingtonsblog.com/2014/09/turkey-israel-directly-supporting-isis-al-qaeda-syria.html>.

را با انقلابیون التحریر، الخضرا و اللؤلؤ در یک سطح قرار دهد. بواقع سوریه را باید نقطه آغاز تلاش جریان تکفیری برای مقابله با بیداری اسلامی قلمداد کرد. پس از آن هم جریان تکفیری خود را به تمامی کشورهای میزبان بیداری اسلامی تسری داد و تلاش کرد در مقابل جریان اصلی و واقعی بیداری اسلامی قرار گیرد. در این میان، برخی اشتباهات راهبردی انقلابیون هم گذرگاهی بود که تلاش تکفیریها را در انحراف بیداری اسلامی تسریع می‌کرد. شاید برجسته‌ترین این اشتباه‌ها، اشتباه راهبردی اخوان المسلمین مصر در هم‌پیمان شدن با گروه‌های تکفیری بود که انقلاب مصر را تا حد زیادی به نقطه صفر بازگرداند؛ اما مصر تنها نقطه تلاقی جریان تکفیری و بیداری اسلامی نبود. در لیبی وضع بمراتب از مصر هم بدتر شد و با دخالت تکفیریها، اکنون لیبی عملاً به کشوری ورشکسته و بی‌دولت تبدیل شده که فاقد هرگونه ثبات سیاسی است. در پاکستان، عراق و هر نقطه دیگری که شمیم بیداری اسلامی وزیدن می‌گرفت، جریان تکفیری به نیابت از استکبار جهانی سرعت خود را به آن منطقه می‌رساند تا مانع به بار نشستن بیداری امت اسلامی شود؛ حتی در یمن هم هرچند که تاکنون جریان تکفیری نتوانسته است بیداری اسلامی را از پای درآورد و ضربات سخت و جبران‌ناپذیری از انقلابیون پذیرفته است، تقابل اصلی میان قائلان به اندیشه اسلام ناب و جریان تکفیر وجود دارد. بواقع جریان تکفیری در تمامی منطقه و در موقعیتی که استکبار جهانی امکان حضور مستقیم نداشته، جنگ نیابتی^۱ را به نفع استکبار جهانی و علیه بیداری اسلامی، کلید زده است.

ج) تنزل جایگاه مسئله فلسطین. از نگاه دیگر، ایجاد و تأسیس پدیده تکفیر در منطقه را می‌توان تلاشی برای تغییر نگاه‌ها از مسئله فلسطین دانست. این موضوع یکی از مهمترین دستاوردهای جریان تکفیری برای جبهه استکبار جهانی است. در حالی که از زمان تأسیس رژیم نامشروع صهیونیستی همواره مسئله فلسطین، موضوع اولویت‌دار جهان اسلام شناخته می‌شده است، ظهور پدیده تکفیر، وسیله‌ای بود که نگاه‌ها را از موضوع فلسطین به تروریسم تکفیری معطوف کند. اساساً خود مقامات رژیم صهیونیستی هم چنانکه آویگدور لیبرمن، وزیر خارجه پیشین این رژیم

1. Proxy war

اذعان کرد بدرستی دریافته‌اند که داعش کوچکترین تهدیدی برای صهیونیست‌ها نیست و حتی می‌تواند فرصت قابل ملاحظه‌ای برای مقابله با گروه‌های مقاومت قلمداد شود؛ حتی در جریان جنگ پنجاه روزه غزه، داعش حاضر نشد کوچکترین اقدامی در یاری مقاومت فلسطین انجام دهد؛ این در حالی است که مقامات رژیم صهیونیستی کوشیده‌اند بین داعش و حماس، نوعی همسانی ایجاد کنند و حماس و دیگر گروه‌های مقاومت را هم پیرو اندیشه تکفیری و با همان خوی سبعیت نشان دهند و از این طریق، جنایات خود را علیه مردم فلسطین توجیه کنند تا آنجا که نتایهو در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد، مدعی شد که حماس داعیه تشکیل خلافت اسلامی را در سر می‌پروراند.^۱ البته موضوع تسلیح کرانه باختری، که توسط مقام معظم رهبری مطرح شد به‌عنوان یک پادگفتمان، موضوع فلسطین و تسلیح مقاومت در کرانه باختری را دوباره در رأس و اولویت جهان اسلام قرار داد.

د) ویران کردن کشورهای اسلامی. تکفیرها با به راه انداختن جنگهای فرسایشی داخلی، بسیاری از تجهیزات و زیرساختهای کشورهای اسلامی را نابود کرده‌اند. شکی نیست که تخریب و نابودی زیرساختهای کشورهای اسلامی و بویژه کشورهای محور مقاومت، که مانع بسیار جدی در راه پیشرفت این کشورهاست، همواره از آمال استکبار جهانی بوده است. چندی قبل، سازمان ملل متحد تخمین زد که بازسازی سوریه، عراق و غزه به مبلغی معادل ۷۵۰ میلیارد دلار نیاز دارد. سخنگوی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اعلام کرد که تنها جنگ سوریه، امکانات مسکونی، آموزشی و صنعتی را در این کشور با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است به‌گونه‌ای که در طی درگیریها با داعش، صدها ساختمان در شمال و شرق این کشور آسیب جدی دیده است.^۲ هرچند وضع عراق از سوریه بهتر است، بدون شک بازسازی استانهایی نظیر نینوا و الانبار، که مورد هجوم تکفیرها قرار گرفته است، هزینه بسیاری را طلب می‌کند. می‌توان به تخریب زیرساختها، قطع بخشی از صادرات نفت کشورهای نظیر سوریه و عراق را هم افزود تا مشخص شود چه هزینه اقتصادی گزافی را کشورهای محور مقاومت در جنگ با داعش متحمل شده‌اند.

1. <http://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4575977,00.html>.

2 - <https://www.middleeastmonitor.com/news/americas/14162-un-rebuilding-syria-iraq-and-gaza-will-cost-750bn>.

افزون بر همه این مشکلات و تخریبهایی که تکفیرها در سوریه شکل داده‌اند، حملات به اصطلاح ائتلاف ضد داعش که توسط امریکا رهبری می‌شود هم خسارتهای جبران‌ناپذیری به زیرساختهای این کشور وارد کرده است. این ائتلاف، که بدون کسب اجازه از دولت منتخب و مشروع سوریه به صورت غیرقانونی به این کشور حمله می‌کند در حملات هوایی که به بهانه مقابله با داعش انجام شده، بارها پالایشگاه‌ها و چاه‌های نفت سوریه را هدف قرار داده است. شاید تکفیرها و امریکا، که بدرستی دریافته‌اند پیروز جنگ سوریه نخواهند بود و معادلات در این کشور آن‌گونه که پیش‌بینی می‌کردند پیش نرفته است به نوعی «سیاست زمین سوخته»^۱ را در سوریه پیش گرفته‌اند.

ه) تضعیف جبهه مقاومت منطقه‌ای. بدون تردید جبهه مقاومت منطقه‌ای، یکی از مهمترین دغدغه‌های امریکا و رژیم صهیونیستی بوده است که برای تضعیف آن از هیچ اقدامی دریغ نکرده‌اند. جبهه مقاومت منطقه‌ای متشکل از ایران، سوریه، حزب‌الله و برخی گروه‌های مقاومت فلسطینی، همواره در تقابل با اهداف امریکا و صهیونیست‌ها قرار داشته‌اند؛ جبهه‌ای که اکنون مورد هجوم داعش قرار گرفته است. بواقع داعش به نمایندگی از استکبار جهانی، قصد داشت سوریه را نابود کند و یکی از بازیگران مهم جبهه مقاومت منطقه‌ای را قطع کند که پل ارتباطی بین ایران و حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی به شمار می‌رفت؛ اما دخالت بموقع حزب‌الله در سوریه و ایستادگی ارتش این کشور و کمکهای مستشاری جمهوری اسلامی، سبب شد که داعش نتواند به اهداف خود برسد و عملاً معادلات در سوریه با تصرف قصیر به دست حزب‌الله و ارتش این کشور کاملاً تغییر کرد. در عراق هم معادلات داعش آن‌گونه که استکبار انتظار داشت، پیش نرفت و کمکهای بموقع جمهوری اسلامی مانع از سقوط مناطق حساس عراق و به صورت خاص اقلیم خودمختار کردستان شد. پس از آن هم فتوحاتی نظیر فتح آمرلی، ضعف داعش را در تقابل با جبهه مقاومت منطقه‌ای بخوبی نمایان کرد؛ با این حال به نظر می‌رسد که استکبار جهانی بر این باور است که هرچه فرسایشی‌تر شدن این جنگ به تضعیف جبهه مقاومت منجر می‌شود؛ لذا با اینکه هیچ یک از معادلات آنها در سوریه، عراق و لبنان رنگ واقعیت به خود نگرفته است، هم چنان بر ادامه جنگ

۱- اصطلاح «سیاست زمین سوخته» یک راهبرد نظامی به معنی از بین بردن تمامی منابع در دسترس نیروی دشمن است.

فرسایشی اصرار دارند.

و) ارائه چهره مخدوش از اسلام. یکی از مهمترین خدمات جریان تکفیری به استکبار، ارائه چهره قلب‌شده و دروغین و در عین حال کریه از اسلام به جهان است. داعش در حالی اقدامات و فجایع غیر انسانی خود را به اسلام نسبت می‌دهد که در میان تمامی گروه‌های اسلامی، علیه جریان تکفیری اجماع وجود دارد. رهبر انقلاب چندی پیش با اشاره به اقدامات داعش فرمودند: «اینها درست به عکس عمل کردند؛ مسلمان را کشتند، غیر مسلمان غیر متعرض را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همه دنیا پخش شد، همه دنیا این را دیدند. همه دنیا دیدند که یک نفری به نام اسلام دست کرد از سینه یک آدم کشته شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید! این را دنیا دید. اینها به نام اسلام تمام شد^۱». الازهر هم چندی پیش اعلام کرد که جریانهای تکفیری با این دست اقدامات به دنبال ارائه چهره مخدوش از اسلام هستند^۲. جالب اینکه هیچ مذهب، مسلک و مرامی از تکفیر تکفیرها در امان نمانده است. تکفیرها بارها اهل تسنن را هم تکفیر کرده و به فجیع‌ترین شکل ممکن به قتل رسانده‌اند. اقدامات آنها علیه علویها، شیعیان، اهل تسنن، مسیحی‌ها و ایزدیها در واقع تلاش استکبار جهانی برای ارائه چهره‌ای هرچه مخدوشتر از اسلام به جهان بوده است.

ز) باز کردن پای امریکا به منطقه. یکی دیگر از خدمات داعش به ایالات متحده، باز کردن دوباره پای این کشور و متحدانش به منطقه است. پس از اینکه امریکا در پی مخالفت غیرتمندانه مقامات وقت دولت عراق با امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده به ترک خاک این کشور مجبور شد، عملاً جایگاه سابق خود را در منطقه از دست داد و از حضور در ژئوپلیتیک‌ترین و ژئواستراتژیک‌ترین منطقه جهان بازماند؛ اما اکنون به لطف داعش و جریان تکفیری، امریکا تلاش دارد در قالب ائتلاف به اصطلاح ضد داعش، حضور پررنگتری در منطقه داشته باشد؛ حتی به نظر می‌رسد که ایالات متحده می‌کوشد منطقه را به حیاط خلوت خویش بدل سازد. حملات گاه و بیگاه به سوریه به بهانه مبارزه با داعش، نمونه‌ای از این تلاشهاست. بواقع امریکا به دنبال پاکستانیزه کردن منطقه به بهانه مبارزه با داعش در عراق و سوریه است. حملات امریکا به پاکستان، که در

۱- بیانات در دیدار شرکت کنندگان در کنگره جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام.
۲ - <http://fa.alalam.ir/news/1633032>

جریان آنها، بسیاری از مردم عادی و حتی ده‌ها تن از نظامیان پاکستانی کشته شده‌اند، بدون هرگونه هماهنگی با دولت پاکستان انجام می‌شود و نقض حریم هوایی پاکستان توسط پهپادهای امریکایی به شیوه‌ای معمول تبدیل شده است. اکنون به نظر می‌رسد که این وضعیت در مورد عراق و سوریه هم در حال تحقق است که تهدیدی مهم علیه امنیت غرب آسیا به شمار می‌رود.

ح) تجزیه کشورهای اسلامی. سیاست نانوشته استکبار همواره تلاش برای تجزیه کشورهای قدرتمند اسلامی بوده است. سیاست مزدورانه‌ای که در تاریخ معاصر، بارها خود را به رخ کشیده است. اکنون یکی از مسئولیتهای واگذار شده به داعش، اجرای این مهم است. داعش در سوریه توانسته است بخشهایی از خاک این کشور را به تصرف خود درآورد. بخشهایی نظیر حلب و ادلب عملاً در اختیار این گروه تکفیری قرار داشت و دولت امکان تصرف چندان در این مناطق نداشت. در عراق هم اساساً طرح «جوبایدن»، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، که در سال ۲۰۰۶ مطرح شد، ناظر بر تجزیه این کشور بود. «بایدن» در طرح خود خواستار تشکیل سه منطقه خودمختار شیعیان، اهل تسنن و کردها در عراق شده و آن را تنها نسخه حل بحران این کشور دانسته بود.^۱ اقدام داعش در حمله به منطقه سنی‌نشین موصل و اعلام خلافت در این منطقه را می‌توان گام اول طرحی دانست که «جو بایدن» بیش از هشت سال پیش کلید زده بود. بواقع نگاه اصلی ایالات متحده و متحدانش، نبود کشور اسلامی و عربی قدرتمند در منطقه است. تحقق این وضعیت، گامی مهم در تحقق امنیت رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود (www.farsi.khamenei.ir).

۳- تبدیل شدن به قدرت هژمونیک در تقابل با گروه‌های سلفی رقیب

۴- ایفای نقش بازیگر سیاسی در برخی کشورها

۵- ارائه الگوی سیاسی بدیل از حکومت اسلامی در تقابل با اسلام انقلابی شیعی: یکی دیگر از اهداف گروه داعش ارائه یک الگوی سیاسی بدیل از حکومت اسلامی است. کارکرد این الگو در تقابل با الگوهای پیشنهادی گروه‌های سلفی (نمونه طالبان در افغانستان)، رژیمهای سیاسی سکولار در غرب و الگوی اسلام انقلابی شیعی در ایران آشکار می‌شود. انتقادات داعش از عملکرد دولت

1- <http://www.al-monitor.com/pulse/politics/2014/08/turkey-iraq-usa-isis-biden-syria.html>.

اسلامی طالبان، نشان می‌دهد که حکومت طالبانی از دید داعش، طراحی ناتمام است. هم‌چنین داعش انواع رژیم‌های سیاسی غربی را تحت تأثیر اندیشه‌های سکولار و الحادی می‌داند و مردود می‌شمارد و سرانجام جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومتی که بر پایه تفکر شیعی از اسلام تأسیس یافته است نمی‌تواند با آرا و عقاید سلفی - وهابی داعش و گروه‌های افراطی سازگار افتد. بنابراین داعش در پی تأکید سید قطب (که البته وی در دسته افراطی نبود و حتی مخالف افراط‌گرایی بود) که می‌گفت: «نخست یک جامعه اسلامی که در آن قوانین و اصول اسلامی باشد، تشکیل دهید، آن‌گاه خواهید دید که اسلام چگونه حکومت خواهد کرد (سوزنگر، ۱۳۹۰: ۳۷۵) در پی تحقق برداشت خلیفه اسلامی و مشاورانش از اسلام، حکومت خلافت اسلامی را تشکیل داده است که به لحاظ درک آنان از اصول و عقاید اسلامی در تعارض با اصول بنیادی شیعیان از اسلام و به لحاظ درک ضرورت‌های سیاسی حکومت‌های عربی منطقه و طالبان در تضاد با آنها قرار گرفته است.

۶- استقرار و گسترش مرزهای خلافت (مصطفی، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

۴-۵-۲- راهبرد و رویکردهای عملیاتی داعش

۱- مقابله با کافران (راهبرد تکفیر): یکی از کاربردهای راهبرد تکفیر، هدفگذاری آن است. کافران در قرآن و منابع اسلام برحسب صفت و مختصات شناخته شده‌اند و راهبرد تکفیر، هدف را بر اطلاق تعیین می‌کند؛ یعنی علاوه بر داشتن مصداق، این راهبرد، چگونگی برخورد با کافران را نیز مشخص می‌کند.

۲- مشروعیت بخشیدن: داعش به عنوان جریانی برآمده از آموزه‌های سلفی و رویکردهای وهابی از اسلام، ناگزیر است که احکام، دستور و شیوه‌های رفتاری خود را منطبق با آن آموزه‌ها معرفی کند. انطباق با اسلام یا مشروعیت‌بخشی، سبب می‌شود که پیروان داعش در پیروی با آنها تردیدی به خود راه ندهند.

۳- کسب اقتدار: این راهبرد بر پایه مجموعه‌ای از اقدامات خشونت‌طلبانه یا ارهاب طراحی شده است. این راهبرد برای نزدیک شدن سریع داعش به هدفهای راهبردی، سلطه هژمونیک بر

گروه‌های رقیب، تسریع روند استقرار و تبدیل شدن به بازیگر منطقه‌ای طراحی شده است.

۴ - تسخیر اراضی: تسخیر اراضی و در اشغال نگهداشتن آن، راهبرد داعش برای تضعیف و ساقط کردن قدرت مرکزی، تحکیم قدرت گروه و تأسیس خلافت است. از این رو، داعش برای مشروعیت بخشیدن به راهبرد تسخیر اراضی با تمسک به برخی روایتها و انطباق با روایتهای منقول از قول رسول گرامی (ص) این امر را مشروع جلوه می‌دهد.

۵ - تسری و تداوم ناامنی: داعش راهبرد بدیلی را برای مواقع عقب‌نشینی از مناطق اشغالی طراحی کرده که بر جابه‌جایی سریع و تسری ناآرامی به مناطق دیگر مبتنی است. از کارکردهای این راهبرد می‌توان گفت که بقای گروه داعش در گروهی تداوم ناامنی است.

۶ - تدارک مالی: در راهبرد تدارک مالی، راه‌های کسب درآمد برای گذراندن امور تدارکاتی گروه، شامل قاچاق مواد مخدر، سلاح و تجهیزات نظامی، عملیاتهای پولشویی، آدم‌ربایی، فروش نفت و گاز (به شکل قاچاق) مناطقی که تحت اشغال دارند، حمایت‌های مالی گسترده از جانب برخی کشورها و افراد مشخص، کسب درآمد از شبکه‌های اجتماعی، دزدی اموال مردم و... نمونه‌ای از راه‌های کسب درآمد این گروه تروریستی است.

۷ - تبلیغ و ترویج: این راهبرد در میان روشها و رویکردهای گروه‌های افراطی نظیر القاعده و طالبان از پیچیدگیهای بیشتری برخوردار است. راهبرد داعش از نظر روشها و رویکردها، سه ویژگی برجسته دارد: یک) اهداف یا کارکردها، که داعش تبلیغات خود را با هدفهایی چون حضور در جنگ رسانه‌ای، اقناع افکار عمومی مسلمانان و تولید و انتشار اطلاعات در راستای گروه انجام می‌دهد. دو) شیوه ارتباطی، که راهبرد تبلیغاتی داعش بر دو روش اطلاع‌رسانی و ارتباطی مبتنی است. سه) قالب و مضمونها، که برنامه‌های داعش از نظر قالب و مضمون، چنان گوناگون است که می‌تواند مخاطبان مختلف را پوشش دهد (مصطفی، ۱۳۹۴: ۲۱۷ تا ۲۴۰).

۵ - ایدئولوژی، دیدگاهها، ساختار و تشکیلات گروه داعش

۵ - ۱ - بررسی ایدئولوژی و دیدگاهها. اندیشه‌های گروه داعش برگرفته از همان اندیشه‌های سلفی القاعده است با این تفاوت که بمراتب افراطی‌تر از القاعده اهداف خود را دنبال می‌کند. سلفیه خود

را پیروی «سلف صالح» یعنی پیشینیان نیکو کردار معرفی می‌کنند و به برتری کامل وحی بر عقل اعتقاد دارند (پاکتچی، ۱۳۷۳: ۷۱۱). این جریان هر نوع کارکرد را برای حضور زن در اجتماع منع می‌کند و معتقد است زن باید در خدمت شوهر باشد (Hardacre, 1993: 130). از نگاه این طیف احمدبن حنبل از آخرین نسل سلفیه به شمار می‌رود و به او تاسی می‌جویند. اندیشه سیاسی سلفی در آرای خوارج، حنبله و وهابیت ریشه دارد. در حالی که خوارج افزون بر جزمگرایی با اقدام خشن و نظامی شکم پاره می‌کردند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)، حنبلی‌ها بر ظواهر قرآن و سنت توجه، و گرایش عقلی و فلسفی و کلامی را همانند خوارج رد می‌کردند. وهابیت، که ساخته عصر جدید است با همان نگرش خوارجی و حنبلی بشدت افکار و اندیشه‌های شیعی را مورد حمله قرار می‌دهد و ضمن رد اندیشه‌های عقلی و فلسفی، شیعه را مشرک، و آنها را دشمن خلافت، سنت و سلف قلمداد می‌کند (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۹۶).

۵ - ۲ - بررسی ساختار و تشکیلات. گروه تروریستی داعش از ساختار تشکیلاتی هرم گونه با تأکید بر الگوی سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که سرکرده گروهک در رأس هرم قرار دارد و دیگر فرماندهان و سرکردگان در بخشهای پایین دستی این هرم قرار می‌گیرند. این گروه بعد از اینکه، سرکرده خود را به عنوان خلیفه مسلمانان منصوب کرد، ساختار هرمی شکل تشکیلات خود را بازنگری کرد. این ساختار عبارت است از: در رأس این هرم ابوبکر بغدادی سرکرده آن قرار گرفت. او در واقع ابراهیم عواد ابراهیم البدری سامرای معروف به ابوبکر بغدادی است؛ از جمله اختیارات او انتصاب امیران و رهبران تشکیلات است؛ هم‌چنین صدور اوامر به شورای نظامی و نقض هر گونه تصمیمی که با آن موافق نیست در دامنه اختیارات وی است. البغدادی پس از انتصاب خود به عنوان خلیفه، تعدادی از والیان را هم منصوب کرد.

۶ - بررسی سازمانها و شوراهای داعش

۱ - شورای نظامی. شورای نظامی یکی از مهمترین هسته‌های گروهک داعش است که ریاست آن بر عهده ابو احمد العلوانی با نام واقعی ولید قاسم محمد است. او در عمل به مثابه وزیر دفاع است که پس از کشته شدن ابو حمزه مهاجر به این سمت منصوب شد. سه عضو دیگر هم علوانی را

کممک می‌کنند و وظیفه آنها برنامه‌ریزی و مدیریت فرماندهان نظامی و پیگیری عملیاتها است. انتخاب رئیس شورای نظامی پس از رایزنی با مجلس شورا از اختیارات بغدادی است.

۲ - مجلس شورا. داعش یک مجلس شورا دارد که ریاست آن بر عهده ابو ارکان العامری است و تعداد اعضای آن به نه تا یازده نفر می‌رسد که اغلب آنها از کشورهای عربی هستند و اغلب از اعضای سابق سازمان القاعده هستند. البغدادی خود آنها را انتخاب کرده است تا سازمان را رهبری کنند. یکی از وظایف مجلس شورا تأیید صلاحیت والیان ولایتها و اعضای شورای نظامی برای ارائه به بغدادی است. اعضای این مجلس می‌توانند به صورت نظری، رئیس تشکیلات را برکنار کنند؛ اما اجرای عملی این تصمیم، دست نیافتنی است (اقبال، ۱۳۹۵: ۲۱).

۳ - شورای امنیت و اطلاعات. در ساختار تشکیلاتی پس از مجلس شورا، شورای امنیت و اطلاعات دارد. این شورا مسئول تعیین محل اقامت البغدادی و تعیین موعد قرارها و نقل و انتقالات اوست. شورای امنیت بر اجرای احکام دستگاه قضایی و اجرای حدود علیه مرتدان، طبق تعبیر سازمان داعش نظارت و حفاظت از سازمان در مقابل عملیات نفوذ و رخنه را بر عهده دارد. "ابوعلی الانباری" افسر سابق سازمان اطلاعات عراق ریاست این شورا را به عهده دارد (مناع، ۲۰۱۶: ۲۷). سه تن دیگر از افسران سابق "صدام"، دیکتاتور معدوم عراق نیز در این شورا عضویت دارند. این شورا گروه‌های ویژه ترورهای سیاسی، ربایش و جمع‌آوری پول را در اختیار دارد و اقدامات مربوط به پست و هماهنگی میان ارکان داعش را در همه ولایات بر عهده دارد (عبدالعظیم الشیمی، ۲۰۱۵: ۸۴).

هم‌چنین در داخل سازمان یک هیئت اطلاع‌رسانی وجود دارد که بعدها به وزارت اطلاعات تبدیل شد و مسئولیت آن را ابو محمد العدنانی، سخنگوی رسمی سازمان بر عهده گرفته است.

۴ - هیئتهای شرعی. هیئتهای شرعی از ارکان مهم گروهک داعش است که تحت نظر و ریاست ابو محمد العانی قرار دارد. مسئولیت قضاوت و صدور حکم علیه مرتدان و حل و فصل خصومتها و اجرای حدود و امر به معروف و نهی از منکر بر عهده این هیئتهاست. پس از انتصاب البغدادی به عنوان خلیفه، این سازمان ارشاد و سربازگیری و دعوت را تأسیس کرد. این هیئتها مهمترین نقش را

در تحریک احساسات و عواطف و خوی جنگ طلبی و طراحی بیانیه‌ها و پیامهای البغدادی و تفسیر فیلمها و سرودهای تبلیغاتی داعش دارد. اغلب اعضای این هیئتها از مهاجران عرب بویژه سعودی‌ها هستند.

هیئتهای شرعی دو دسته وظیفه به عهده دارند: الف - قضاوت، حل و فصل منازعات، اقامه حدود و امر به معروف و نهی از منکر ب - ارشاد، دعوت به عضویت در تشکیلات و صدور فرمان جهاد. همان‌طور که اشاره شد، سخنان بغدادی، بیانیه‌ها و تفسیر فیلمها و سرودهای رسانه‌ای مربوط به داعش بر عهده این هیئتها است (اقبال، ۱۳۹۵: ۲۲).

۵ - مؤسسه رسانه‌ای. داعش یک مؤسسه رسانه‌ای هم دارد که ریاست آن با "ابوالاثیر عمرو العبسی" است و اعضای آن وظیفه اطلاع‌رسانی الکترونیکی و اداره پایگاه‌های اینترنتی موسوم به "جهادی" را به عهده دارند. این مؤسسه از سوی نویسندگان و افرادی اداره می‌شود که امور الکترونیکی را پیگیری می‌کنند و بیشتر آنها از هسته‌های مخفی هستند و برخی نیز از طرفداران داعش و ده‌ها پایگاه رسانه‌ای حامی داعش هستند که بیشتر آنها از کشورهای حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا هستند. در همین راستا مؤسسه "الفرقان"، که زیر نظر مرکز اصلی القاعده در افغانستان کار می‌کرد از سال ۲۰۰۶ با اعلام موجودیت دولت اسلامی عراق، کار خود را آغاز کرد و از همان اول به ارگان رسمی تبلیغاتی القاعده در عراق تبدیل شد (مرکز الجزیره للدراسات، ۲۰۱۴: ۳۸). نظارت بر همه مراکز اطلاع‌رسانی وابسته به القاعده از جمله "الفرقان" بر عهده مرکز تبلیغاتی "الفجر" بود. ناصر الغامدی سعودی در حال حاضر بر این مؤسسه اشراف دارد. مقر وی پیشتر در عراق قرار داشت؛ اما در سال ۲۰۱۰ با از بین رفتن این مرکز به سوریه منتقل شده‌اند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در پاسخ به دو پرسش اصلی و فرعی در این پژوهش «۱ - عملکرد و زیر ساختهای ایدئولوژیکی و ساختاری گروه تکفیری و تروریستی داعش در سایه تحولات اخیر منطقه غرب آسیا چگونه تبیین می‌شود؟ و ۲ - اهداف، راهبردها و رویکردهای عملیاتی گروه تکفیری و تروریستی داعش چیست؟» می‌توان این‌گونه عنوان کرد زیر ساختهای فکری و ساختاری داعش برگرفته از

اندیشه‌های ابن تیمیه و نیز اندیشه‌های وهابیت است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت بعد از اینکه مسئله جان‌شینی پیامبر(ص)، گروه‌های اسلامی را در برابر هم قرار داد، اختلافات عقیدتی برای تحکیم مواضع هر گروه به شکل جدی مطرح شد. این اختلافات یا در چگونگی برداشت و تفسیر قرآن و اصول و عقاید ریشه داشت و یا به اختلاف در فروع احکام و روشهای فقهی باز می‌گشت. در نتیجه، دسته بندیهای گوناگون کلامی و فقهی میان مسلمانان شکل گرفت و به منازعات دامنه‌داری تبدیل شد به طوری که اصحاب و پیروان فرقه‌های مختلف مانند قدریه، مجبره، جهیمیه و... به طرد و لعن و تکفیر و خونریزی و قتل یکدیگر پرداختند که از نمونه آن می‌توان به ابن تیمیه اشاره کرد. ابن تیمیه، دانشمند و فقیه مسلمان حنبلی مذهب در زمانه‌ای می‌زیست که سقوط مرکز خلافت در بغداد و مرگ خلیفه، وحدت سیاسی اهل سنت را از هم گسسته و رعب و وحشت را بر سراسر عالم اسلام مستولی کرده بود. وی در عرصه اعتقادی با نظریه‌های جسورانه و مناقشه برانگیز، همه مکاتب کلامی، مذاهب فقهی و نحله‌های عرفانی را از دم تیغ انتقاد و گاه لعن و سب و تکفیر می‌گذراند. کلامی فقهی ابن تیمیه با اصحاب و علمای مذاهب اسلامی در تشدید مجادله‌ها و منازعات درون‌دینی بویژه میان سلفیون افراطی و پیروان محمدبن عبدالوهاب با شیعه نقش انکارناپذیری داشت. پس از درگذشت ابن تیمیه، سلفی‌گری در مراکز اصلی نشر اسلام رونق خود را از دست داد تا اینکه محمدبن عبدالوهاب در سرزمین نجد به احیای این شیوه همت گماشت و با ظهور وهابیت در سده‌های اخیر، سلفی‌گری از حمایت نیروی سیاسی مؤثرتری در جهان اسلام برخوردار شد. قدرت‌یابی وهابیت در عربستان، در اوضاع منطقه و تلاش انگلیس برای تضعیف امپراتوری عثمانی ریشه دارد. آرا و عقاید محمدبن عبدالوهاب مبدع مسلک وهابیت، تحت تأثیر آموزش علمای حنابله و ابن تیمیه بود. وهابیون تحت تأثیر آرای ابن تیمیه از تأویل آیات قرآن کریم پرهیز می‌کنند و بر حسب ظاهر برخی آیات و احادیث برای ذات خداوند اثبات و جهت می‌کنند و او را دارای اعضا و جوارح می‌دانند. به طور کلی می‌توان گفت ابن تیمیه، نحله‌های فکری سلفی را حول اصول و شالوده نظری منسجم ساخت و محمدبن عبدالوهاب در پی برقراری اتحاد با آل سعود، علاوه بر اینکه شالوده نظری سلفیه را به تکیه‌گاه قدرت و رژیم سیاسی تبدیل

کرد، توانست تفکر ابن تیمیه را گسترش دهد و اصول سلفی را همچون الگوی تفکر، عمل جمعی و رفتار فردی در میان کثیری از اهل سنت از علما تا عوام در جامعه رسوخ دهد. نیز در پاسخ به اینکه عملکرد داعش چگونه تبیین می‌شود، می‌توان به دو اصل، که از اهداف داعش نیز جدا نیست اشاره کرد و آن: ۱- دنبال کننده منافع غرب ۲- تبدیل شدن به بازیچه غرب و کشورهای غربی بویژه امریکا است؛ اما در پاسخ به پرسش فرعی نیز می‌توان این گونه تحلیل کرد که اهداف گروه داعش شامل

۱- تبدیل شدن به قدرت هژمونیک در تقابل با گروه‌های سلفی رقیب

۲- ایفای نقش بازیگر سیاسی منطقه

۳- ارائه الگوی سیاسی بدیل از حکومت اسلامی در تقابل با اسلام انقلابی شیعی

۴- استقرار و گسترش مرزهای خلافت

و راهبرد و رویکردهای عملیاتی داعش نیز شامل

۱- مقابله با کافران (راهبرد تکفیر)

۲- مشروعیت بخشیدن به خود

۳- کسب اقتدار

۴- تسخیر اراضی

۵- تسری و تداوم ناامنی

۶- تدارک مالی

۷- تبلیغ و ترویج است که این راهبرد در میان روشها و رویکردهای گروه‌های افراطی نظیر

القاعده و طالبان از پیچیدگیهای بیشتری برخوردار است.

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری باید به این نکته اشاره کرد که با توجه به هدف داعش، که به ظاهر مدعی احیای خلافت است ولی در واقع با حمایت غرب به دنبال ترویج اسلام‌هراسی است، عملکرد داعش مصداق نعل وارونه زدن است. قوانین سختگیرانه‌ای را دنبال می‌کند که به اسلام ناب محمدی هیچ

ربطی ندارد. در مقام زهد برآمده و با دغدغه و نگرانی نسبت به شریعت، جوی خون در عراق و سوریه راه انداخته، در حالی که نه تنها دغدغه اهل سنت ندارد، بلکه عمده‌ترین دغدغه آن دستیابی به منابع غنی هر شهر و منطقه و سودای حکومت است. برای جلب نظر و علاقه مردم شهرهای تحت تسخیر، آب و برق ارزان و امنیت بیشتر وعده می‌دهد در حالی که پس از مدتی با دریافت مالیاتهای سنگین، شیره وجود آنها را می‌کشد. تلاش این گروه که در اشغال سامرا، استان نینوا و بغداد مستأصل مانده، ایجاد دو دستگی در بدنه امنیتی و نیروهای زبده ۱۲ هزار نفری عراق و تحریک ایران به بروز حرکت انفعالی و ورود به عرصه برای به وجود آوردن جنگ منطقه‌ای و فرقه‌ای طبق سفارش اربابان غربی و عربی خود است. توجه نکردن مردم عراق و حتی جمعیت سنی این کشور به این گروه، موجب شد که با انتشار فیلم و تصاویر بسیار خشن، سعی در استفاده از راهبرد ایجاد وحشت کند تا شاید بدین وسیله به نتیجه برسد.

تروریست‌های داعش با اجرای برنامه تفرقه سرویسه‌های اطلاعاتی غربی و منطقه‌ای، طی سالهای اخیر به نام اسلام، بزرگترین نقش را در پیشبرد فکر اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی ایفا کرده‌اند. باید اذعان کرد که داعش خواستار برقراری دولت اسلامی سنی در مرز عراق و سوریه جایی بین کردستان و اراضی شیعه‌نشین است و حالا این امر به هر شکل ممکن باید صورت گیرد. البغدادی فراتر از هر چیز، یک چیز می‌خواهد: "خلا". با توجه عمیق به این واژه بخوبی مفهوم جامع و کلی عملکرد و هدف داعش درک خواهد شد. نفوذ به لایه‌های ایدئولوژیکی، حزبی، سیاسی، اجتماعی و نظامی هر کشور مورد نظر از اهداف اصلی داعش است و این امر با خلق خلا در این لایه‌ها صورت پذیر است. امریکا نیز با موضعگیری اخیر خود در برابر جریانات عراق، سوء نیت خود را نشان داد و اثبات کرد که اتهام ارتباط نزدیکش با داعش - فرزند ناخلفش - خلاف واقع نبوده است. به نظر می‌رسد همان‌طور که غالب تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند، باید در آینده شاهد این باشیم که فرزند ناخلف تفرقه و فتنه یقه خرافت و سخافت حامیان غربی - عربی خود را بگیرد و به عذابی بزرگ برای آنان تبدیل شود. قطع این غده بدخیم از کالبد غرب آسیا امروز از اساسیترین نیازهای جامعه بین‌الملل است؛ چرا که دیر یا زود باید شاهد قدرت‌نمایی ابوبکر البغدادی در نقاط مختلف

جهان باشیم.

سرانجام می‌توان در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله و نتایج آن گفت که اطلاق اندیشه سیاسی بر مجموعه اعتقادی و ایدئولوژی داعش بازتولید افکار و اندیشه وهابیت، القاعده و گروه‌های افراطی است؛ زیرا مبانی نظری و فکری داعش را نمی‌توان از افکار سلفیان متأخر و وهابیت جدا انگاشت و نیز در بحث ساختار و تشکیلات داعش می‌توان گفت که ساختار این گروه، هرمی و نیز دو وجهی، مرکب از ساختار سلسله مراتبی و شبکه‌ای است و در پاسخ به این سؤال که «عملکرد گروه داعش چگونه تبیین می‌شود؟»، می‌توان بیان کرد که دنبال کردن منافع غرب و تبدیل شدن به بازیچه غرب و کشورهای غربی به عنوان پاسخ مطرح شد که در مجموع می‌توان گفت برای یافتن حلقه ارتباط بین امریکا و جریانهای تکفیری، بررسی منافع مشترک آنها مفید به نظر می‌رسد. فارغ از اینکه دوستان امریکا نظیر قطر، کویت، عربستان^۱ و ترکیه^۲ از حامیان اصلی داعش به شمار می‌روند، پیگیری این موضوع، که فعالیت‌های جریانهای تکفیری منافع کدام دسته از بازیگران را در نظام بین‌الملل تأمین می‌کند، بسیار راهگشاست. تجربه تلخ چند سال اخیر درگیری با جریان تکفیری بخوبی نشاندهنده این است که تکفیریه‌ها با هدف قرار دادن امواج بیداری اسلامی و محور مقاومت منطقه‌ای علیه رژیم صهیونیستی و تلاش برای تبدیل کردن موضوع فلسطین به مسئله‌ای دسته چندم در جهان اسلام، نعل به نعل مطابق منافع ایالات متحده و متحدانش پیش رفته‌اند. بواقع امریکاییها تصور می‌کنند که اگر در منطقه به یک اقدام اساسی دست نزنند، منطقه کاملاً در تسخیر جبهه مقاومت در می‌آید و این جبهه، رژیمهای وابسته به آمریکا را یکی یکی در خود ادغام و حذف می‌کند. افزون بر همه اینها، شکننده و بی‌نتیجه بودن ائتلافی که توسط امریکا و در ظاهر علیه داعش تشکیل شد، خود شاهدهی متقن بر این مدعاست که امریکا به هیچ وجه عزمی جدی برای مقابله با جریان تکفیری که قرار است منافع کاخ سفید را از مصر تا یمن تأمین کند، ندارد. بی‌تردید سالها بعد، آن‌گونه که «بن افلایم» نگران است، مورخان نخواهند نوشت که امریکا شامات را دودستی و در سینی سیمین به ایران تقدیم کرد؛ اما خواهند نوشت که سرنوشت غرب آسیا را

1. <http://www.cfr.org/iraq/us-playbook-iraq-syria/p33161>.

2. <http://www.washingtonsblog.com/2014/09/turkey-israel-directly-supporting-isis-al-qaeda-syria.html>.

مردانی نوشتند که نه به قرائتهای موهوم و مخدوش و تکفیری و امریکایی، که به قرائت ناب از اسلام ایمان داشتند و در راه دفاع از آرمانهای خود، «كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُومٌ» بودند.

پیشنهاها

با توجه به هدف داعش، که به ظاهر مدعی احیای خلافت است، ولی در واقع با حمایت غرب و برخی کشورهای عربی به دنبال ترویج اسلام‌هراسی است و در راستای هدف این مقاله، که بررسی تحلیلی زیرساختارهای ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش و نیز بررسی زمینه‌های تاریخی پیدایش جریانهای سلفی در جهان اسلام و هم‌چنین بررسی اهداف، راهبردها و رویکردهای عملیاتی این گروه تروریستی و فراز و نشیب‌های این گروه از تشکیل آن تا ادعای خلافت است، می‌توان این‌گونه پیشنهاد کرد که با پژوهشها، پایان‌نامه‌ها و مطالعات علمی درباره این موضوع، خبرگان، پژوهشگران و محققان در صدد مشخص کردن راهبرهای نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با این گروه تروریستی - تکفیری برآیند.

کتابنامه

الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. اقبال، اسماعیل (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی فرآیند شکل‌گیری گروه تکفیری داعش. دوفصلنامه علمی تخصصی دانش جهادی. س هفتم. ش ۱۶.
۳. فرمانیان، مهدی (۱۳۹۵). جریان شناسی فکری - فرهنگی سلفی‌گری در ایران معاصر. قم: زمزم هدایت.
۴. علیزاده موسوی، مهدی (۱۳۹۳). تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت. قم: آوای منجی.
۵. مصطفی، حسن (۱۳۹۴). داعش، زیرساخت‌های معرفت و ساختاری. تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد.
۶. ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۳). گروهک تروریستی داعش، برابند تنازعات و

- نامنی‌های منطقه. فصلنامه علمی و پژوهشی امنیت پژوهی. س ۱۳. ش ۴۵.
۷. سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۳). تاریخ عرب قبل از اسلام. ترجمه باقر صدری‌نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). خدمات متقابل اسلام و ایران. چ هشتم. تهران: انتشارات صدرا.
۱۰. عنایت، حمید (۱۳۷۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. چ سوم. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۱. السبکی، علی بن عبدالکافی (۱۳۴۷ق). الدرہ المظئیة فی رد ابن تیمیہ. دمشق.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). آشنایی با مکتب سلفیه. مجله تخصصی کلام اسلامی. س هجدهم. ش ۷۰.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). آیین و هایت. چ شانزدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. مشکور، محمد جواد (۱۳۸۴). فرهنگ فرق اسلامی. چ چهارم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۵. موجانی، سیدعلی؛ عقیقی بخشایشی، امیررضا (۱۳۹۰). تقایر نجد. قم: انتشارات کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۱۶. ببری، نیکنام (۱۳۹۳). سیستم‌سازی پاشنه آشیل تکفیریسیم. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل، ابرار معاصر تهران.
۱۷. مستوفی، فرید (۱۳۹۳). داعش تیغ دولبه. ماهنامه گزارش. ش ۲۶۰.
۱۸. محمد عبدالحمید، محمد (۲۰۱۶). داعش فی المملكة العربیة السعودیة. القاهرة: المکتب العربی للمعارف.
۱۹. عماد، عبدالغنی مجموعه من الباحثین (۲۰۱۳). الحركات الاسلامیة فی الوطن العربی.

- المجلد الثانی. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربيه.
۲۰. عبدالعظیم الشیمی، محمد (۲۰۱۵). التمويل الدولي لتنظيم الدوله الاسلاميه. القاہرہ: المكتب العربي للمعارف.
۲۱. مناع، ہیثم (۲۰۱۴). خلافه داعش. جنو: اصدارات معهد الاسکندنافی لحقوق الانسان.
۲۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰). بیانات، ۱۳۷۰/۱/۲۶.
۲۳. پاکتچی، احمد (۱۳۷۳). زمینه‌های تاریخی سلفیه در بنیادگرایی و سلفیه. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۴. محمدی، داود (۱۳۷۵). تروریست‌های ضد تروریسم. روزنامه سلام. ۲۱ مهر.
۲۵. سوزنگر، سیروس (۱۳۹۰). سید قطب؛ در اندیشه سیاسی متفکران مسلمان. ج دهم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

ب. منابع خارجی و وبگاه‌ها

۱. سایت مقام معظم رهبری (۱۳۹۳). هشت نشانه خدمت تکفیری‌ها به استکبار. در تارنمای: www.farsi.khamenei.ir.
۲. مرکز الجزیره للدرسات (۲۰۱۴). تنظیم الدوله الاسلاميه. در تارنمای: www.studies.aljazeera.net.
۳. ابوهنیه، حسن (۲۰۱۵). البناء الهیکلی لتنظیم الدوله الاسلاميه. در تارنمای: www.studies.aljazeera.net.
۴. شریفات، عبدالمحمد (۱۳۹۴). داعش، تاریخچه، ساختار، عقاید و افکار. در تارنمای: www.alwahabiyah.com.
۵. دشتی، یحیی (۱۳۹۳). داعش به دنبال خاورمیانه جدید امریکایی. در تارنمای: www.nasimedehloran.ir.
۶. زریاب خوئی، عباس (۱۳۶۹). ابن تیمیه در دایره المعارف بزرگ اسلامی. ج سوم در تارنمای: www.cgie.org.ir.

7. Halliday, F. (2002). Two Hours that Shook the World: September 11th,

- 2001: Causes and Consequences , London: Saqui Books.
8. Katona, Peter, (2007) The Historical Impact of Terrorism, Epidemics And Weapons of Destruction.
 9. Hardacer Helen. (1993). The impact of fundamentalism on woman in fundamentalisms and society.
 10. Boone. L. (1992), Management. International Student Mc-Graw Hill.
 11. Brown, J. F. (2007), First steps linking change communication to change
 12. Davis. P.J. (2004), Effective Communication Strategies in a Franchise Organization.